

دوسوگرایی جامعه‌شناختی در دوران سه پادشاه قاجار از نگاه سفرنامه‌نویسان زن انگلیسی

فاطمه جمیلی کهنه شهری^۱

زینب نادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲

چکیده

تفسیر جهان و پدیده‌های موجود در آن از زاویه یک گروه خاص (مانند مردان) نمی‌تواند تفسیر به راستی حقیقی از جهان و پدیده‌های آن باشد. چشم‌انداز زنانه امکان دیدن و تفسیر کردن پدیده‌های جدید، متفاوت یا مغفول مانده از نگاه مردان را فراهم می‌کند. در پژوهش حاضر چشم‌اندازی زنانه را در راستای کشف خاستگاه مسئله دوسوگرایی، به‌عنوان یکی از مسائلی که امروزه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، پزشکی و حتی اقتصادی از مسائل عمده به‌شمار می‌آید، برگزیدیم و به پیگیری این نگاه خاص در زوایای تاریخ پرداختیم؛ سؤال اصلی در این پژوهش این‌گونه طرح گردیده است: از نگاه سفرنامه‌نویسان زن انگلیسی، دوسوگرایی (دوگانگی) جامعه‌شناختی و فرهنگی ایرانیان در دوران سه پادشاه قاجار (ناصرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه) شامل چه انواعی می‌گردد؟ این پژوهش با استفاده از رویکرد نوع‌شناسی و با استعانت از نظریه مرتون درباره انواع دوسوگرایی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و از طریق تکنیک‌های بررسی تاریخی و تحلیل محتوا سعی نموده است به پرسش مذکور پاسخ دهد. دستاوردهای این پژوهش حاکی از شناسایی پنج نوع دوسوگرایی (دوگانگی) اجتماعی و فرهنگی در میان ایرانیان از نگاه مسافران زن انگلیسی است.

واژگان کلیدی: چشم‌انداز زنانه، دوسوگرایی جامعه‌شناختی، نوع‌شناسی مرتون، دوران قاجار، سفرنامه‌نویسان زن انگلیسی.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا (س) fjfamily@alzahra.ac.ir

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)، (نویسنده مسئول) nadi200980@yahoo.com

طرح مسئله

به ادعای زیمل، اذهانی که به شکلی متفاوت قوام یافته‌اند، تفاسیر متفاوتی از جهان پدید خواهند آورد، با این همه هر یک از این تفاسیر می‌توانند اعتباری برابر با بقیه داشته باشند، به طوری که دو تفسیر مختلف ولی به یک اندازه معتبر از یک پدیده واحد، پیامد دو نحوه متفاوت هستی است، چنان که اختلافات بنیادی میان تفاسیر از دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. بر همین مبناست که وی نتیجه می‌گیرد چشم‌انداز زنانه در مورد تفسیر پدیده‌ها با چشم‌انداز مردانه در مورد همان پدیده‌ها متفاوت بوده و دارای اختلاف است، چرا که تفاوت در چشم‌انداز و امکانات هرمنوتیکی جدید هر دو پیامد ساختار روان‌شناختی مشخصات زنانه و مردانه‌اند و این تفاوت در چشم‌انداز امکان جدیدی را برای دیدن و تفسیر کردن فراهم می‌آورد (زیمل^۱، ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۲). وی در این میان نقش مهمی را برای زنان در تفسیر قائل می‌شود، به طوری که معتقد است قاعدتاً چشم‌انداز منحصرأ زنانه هم شامل امکان دیدن پدیده‌های متفاوت، جدید یا مغفول است و هم شامل امکان دیدن و تفسیر کردن به طرز متفاوت است که چشم‌اندازی نو، مغفول یا تحول نیافته را نشان می‌دهد (همان: ۱۰۳). زیمل معتقد است تفسیر مشخصات زنانه از جهان، پیامد مقولات پیشینی است که چشم‌انداز زنانه را قوام می‌دهد. به این ترتیب زنان جهان را متفاوت با مردان تفسیر خواهند کرد و عناصر و مباحثی را که از دیدگاه مردان مغفول مانده و به آن پرداخته نشده را به علوم اجتماعی عرضه می‌کنند. زیمل در پایان این مبحث خود، نتیجه می‌گیرد تنها فرضیه‌ی ترکیبی تشکیل شده از تفاسیر مختلف است که می‌تواند حقیقی باشد، به این معنا که نتیجه این نیست که تفاسیر باید با بدیل‌های متناقض با هم تلقی شوند (همان: ۱۰۴) بلکه آنها مکمل یکدیگر و تفسیر به راستی حقیقی از یک پدیده اجتماعی است (همان: ۱۰۳) بنابراین به دلیل اینکه تفسیر جهان و پدیده‌های موجود در آن بیشتر از نگاه مردان صورت گرفته و مورد توجه بوده است، نمی‌تواند تفسیر به راستی حقیقی از جهان و پدیده‌هایش باشد. پس زنان می‌توانند جنبه‌های نو یا مغفول مانده از جهان را فاش سازند و نتیجه اینکه ممکن است کارکردهای هرمنوتیکی مشخصات زنانه در علوم اجتماعی - فرهنگی وجود داشته باشد کارکردهایی که پیامد خصایص مقوم شیوه هستی زنانه‌اند (همان: ۱۰۴). از طرفی، از جمله مسائل مهم در نظام اجتماعی ما ایرانیان که ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات در



عرصه‌های مختلف است و تا حد زیادی مورد غفلت پژوهشگران واقع گردیده، مسئله دوسوگرایی^۱ یا دوگانگی^۲ است که در فرهنگ واژگان جامعه‌شناسی به صورت «تناقض پایا و حل نشده میان احساسات و ایده‌های مثبت و منفی نسبت به یک شخص یا یک وضعیت» معرفی گردیده (شرما^۳، ۱۹۲۲: ۳۳) و از آنجایی که ما بر اساس تجربه‌های ضمنی دوران‌های پیش از خود زندگی می‌کنیم (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۰۰) قصد ریشه‌یابی این مسئله را در میان تاریخ گذشته داریم، در این میان سفرنامه‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند، چنان که سفرنامه‌ها همان‌طور که قابلیت‌ها و الایی گوهر ذاتی ایرانی را ستایش نموده‌اند، به همان نسبت نیز از معایب و به‌خصوص دوسوگرایی ایرانیان فراوان نگاشته‌اند. در این میان سفرنامه‌نویسان انگلیسی از اهمیت بالایی برخوردارند و نقش و جایگاه انگلستان در تاریخ روابط خارجی ایران قابل قیاس با دیگر دولت‌ها نیست (نائیان، ۱۳۷۲: ۱۸) اما آنچه که در این میان حائز اهمیت فراوان است، بررسی این مسئله از زاویه دید مسافران زن انگلیسی است، زنانی که در منصب‌های متفاوتی وارد ایران می‌شدند و به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متمایز با مردان و همچنین به دلیل ارتباط با اندرونی پادشاهان، نوع نگاه و چشم‌انداز آنها نسبت به اوضاع و احوال ایران دوره قاجار از مزیت بالایی برخوردار بوده و تکمیل کننده چشم‌انداز سفرنامه‌نویسان مرد است، به‌طور مثال کالاسرنا در سفرنامه خود تعجب خود را از ایرانیان این چنین بیان می‌کند: «تصویر زنانی با صورت باز و بی‌حجاب روی دیوار نقاشی شده است. معجز بودن ترسیم اینگونه نقش و نگارها که مخالف با آداب و رسوم کشوری است که زنان باید در حجاب و پوشش باشند، سخت جای تعجب است» (کارلاسرنا^۴، ۱۳۶۲: ۱۵۲).

کلارا کولیور رایس^۵ در سفرنامه خود چنین شرح می‌دهد: «... سالها سبک و نمونه مطلوب لباس خانه [زنان ایرانی] مشابه لباس رقصندگان باله بوده است که ناصرالدین شاه پس از دیدارهایش از پاریس به پوشیدن آن فرمان داد. امروزه مدهای نوین اروپایی راه خود را (به ایران) باز کرده‌اند و تغییرات سریعی در حال روی دادن است» (رایس، ۱۳۸۳: ۲۱). مکین روز که مدتی در میان ایل بختیاری بوده است در سفرنامه خود می‌نویسد: «مشیرالدوله مرا

1. ambivalence
2. duality
3. Sharma
4. Carla Serena
5. Rice Clara Colliver





به اتفاق ژنرال گردون و حسنعلی خان ضیافتی دعوت کرد، کلیه مراسم این میهمانی به روش اروپایی برگزار گردید.» (رایس، ۱۳۸۳: ۲۸). به این ترتیب پژوهش حاضر بررسی دوسوگرایی دوران قاجار را از خلال سفرنامه‌هایی که به قلم زنان انگلیسی نوشته شده را مورد بررسی قرار داده است. بررسی‌ها نشان می‌دهند نه تنها در مبحث دوسوگرایی، بلکه در بررسی بسیاری از مسائل با قلت اطلاعات تجربی و تاریخی سازمان یافته از نگاه زنان مواجه هستیم. بنابراین برای رفع ابهامات بسیاری که در کم و کیف انواع دوسوگرایی‌ها با نگاه جامعه‌شناختی خصوصاً از نگاه زنان وجود دارد، برآن شدیم که دوسوگرایی‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناختی دوران قاجار را از نگاه آنان بررسی کنیم. در این میان طبق بررسی‌های انجام شده در میان مسافران زن انگلیسی که در دوران قاجار به ایران سفر کرده، سفرنامه‌های آنها ترجمه شده و با توجه به مباحث مربوط به روش‌شناسی، سفرنامه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در سه دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه، محمدعلی شاه و احمد شاه شناسایی، نوع‌شناسی و سپس مورد تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی واقع شده‌اند. شناسایی این دوسوگرایی‌ها در میان اقشار و طبقات مختلف جامعه قاجاری و همچنین در بین عرصه‌های مختلف صورت پذیرفته است. به این ترتیب مقاله حاضر با هدف اساسی شناسایی، نوع‌شناسی و تجزیه و تحلیل دوسوگرایی جامعه‌شناختی سه پادشاه قاجار در سفرنامه‌های نوشته شده به دست زنان انگلیسی، در جهت پاسخ‌گویی به سؤالاتی است که مهم‌ترین آن عبارتند از: دوسوگرایی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ایرانیان در سفرنامه‌های زنان انگلیسی دوره قاجار چه انواعی دارد؟ علاوه بر سؤال اصلی، سؤالات دیگری از قبیل اینکه از نگاه سفرنامه‌نویسان زن، کدام نوع یا انواع دوسوگرایی‌ها بیشترین فراوانی را در میان ایرانیان داشته است؟ دوسوگرایی‌ها بیشتر در میان کدام قشر و طبقه دیده شده است؟ از نگاه سفرنامه‌نویسان زن کدام عرصه یا عرصه‌ها شامل بیشترین دوگانگی‌ها در دوره قاجار بوده است؟

زنان انگلیسی سفرنامه‌نویس

با روی کار آمدن دولت قاجار و در سایه تحولات جهانی و به‌ویژه با شناخت و آگاهی بیشتری که اروپاییان درباره ایران پیدا نموده بودند، بر تعداد اروپاییانی که به دلایل گوناگون عازم ایران می‌شدند افزوده شد، از جمله این مسافران انگلیسی‌ها بودند که به دلایل خاص سیاسی بیش از همه به داخل ایران قدم نهادند. در میان این گروه، تعداد مردان

بسیار بیش از زنان است، اما کم نیستند زنانی که به ایران آمدند و سفرنامه‌هایی را از خود بر جای گذاشتند که غنای برخی از آنها قابل مقایسه با مردان نیست. سفرنامه‌های زنان به چند دلیل دارای اطلاعاتی متفاوت از مردان است:

۱. زنان در اغلب موارد به دلیل عدم اشتغال به مسائل سیاسی، زمان بیشتری را صرف پرداختن به ریز و درشت‌های زندگی مردمان کشور مقصد داشتند.

۲. زنان به دلیل ارتباط داشتن با اندرونی دربارهای پادشاهان از زندگی خصوصی تر شاهان و خصوصیات و ویژگی‌هایی که برای مردان مغفول می‌ماند، بیشتر آگاهی می‌یافتند. (همان)

۳. نگاه زنان به مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی متفاوت و تکمیل‌کننده نگاه مردان است.

۴. زنان با تکیه بر مرآده و معاشرتی که با طبقات گوناگون زنان ایرانی و شرح و توصیف مفصل درباره آنان داشتند، فقدان اطلاعات درباره راه و رسم زندگی و وضعیت زنان ایرانی را نیز به تدریج پر نمودند (کاری که برای مردان هم‌سنخ خودشان امکان‌پذیر نبود). (مکبن روز، ۱۳۷۳: ۱۱) به این ترتیب و با توجه به مباحث زیمیل در رابطه با هرمنوتیک خاص زنانه، بررسی جامعه ایرانی از نگاه سفرنامه‌نویسان نکات نامکشوفی را می‌تواند عرضه کند که به غنای شناخت ما از جامعه ایرانی دوره قاجار بیافزاید، اگر چه نمی‌توان از سوءگیری‌ها و برداشت‌های نادرست آنها غفلت کرد، به این ترتیب در راستای همین امر پژوهش حاضر چشم‌انداز پنج سفرنامه‌نویس با نام‌های لیدی شیل، کلارا کولیور رایس، ایزابلا بیشاپ، گرتروود بل و الیزابت مکبن روز را نسبت به جامعه ایران و انواع دوسوگرایی دوران قاجار مورد بررسی جامعه‌شناسانه قرار می‌دهد.

مشخصات کلی سفرنامه‌های لیدی شیل، کلارا کولیور رایس، گرتروود بل، ایزابلا بیشاپ و مکبن روز

پیش از هر چیز شناخت و آگاهی کلی از این مسافران و نیت آنان از آمدن به ایران و همچنین آشنایی بر کلیات سفرنامه‌های ایشان ضروری است.



کلارا کولیور رایس

رایس زنی انگلیسی و همسر یکی از مأموران عضو هیئت مذهبی و تبلیغی مسیحی ساکن جلفای اصفهان است. سفرهای او در خلال سال‌های پیش و پس از جنگ جهانی اول صورت گرفته است (رایس، ۱۳۸۳: ۲۱) وی که با زبان فارسی آشنایی داشت، ۱۰ تا ۲۰ سال به طور مستقیم و غیرمستقیم در ایران فعالیت داشت، با این حال به صراحت از شغل و حرفه رسمی خود نام نمی‌برد^۱، اما همان‌طور که در مقدمه سفرنامه اشاره شده در بیمارستان مبلغان، به خدمت مشغول بوده است (همان، ۲۱). هدف او از نوشتن این اثر، ترسیم وضع، شخصیت، قلمرو و قدرت، شیوه‌های انجام امور و نمایاندن غم و شادی‌های زنان روزگار قاجاریه از زنان اقوام و نژادها و ملیت‌های مختلف تا زنان شهری، روستایی و ایلیاتی است و بیشتر کنجکاوی‌های خود را حول محور زن مسلمان انجام می‌دهد (همان، ۲۲). اما اغلب با مطالبی ناقص و سطحی هم برخورد می‌کنیم و گاه رد پای دخالت اغراض شخصی، سیاسی و دینی را نیز نمی‌توان در آن نادیده گرفت (همان، ۲۱ و ۲۲).

گرترود لاوئین بل^۲

بل در بهار ۱۸۹۲ رهسپار تهران گردید که کتاب «تصویرهایی از ایران» محصول همین سفر است (بل، ۱۳۶۳: ۵). باستان‌شناسی انگیزه عمده بل برای سفرهای دور و دراز در بیابان و کشتزار بود، بخش اعظم زندگی بل در میان عرب‌ها و امور سیاسی آنها گذشت و طی سیاحت‌هایی که به سرزمین‌های عربی داشت، توانست دانش وسیعی از قبایل و سیاست عرب‌ها به دست آورده و در سال ۱۹۲۱ موزه عراق را بنیاد نهد (همان، ۱۲ تا ۱۴). بل به همراه خانواده دایی ناتنی خود سر فرانک لاسلز^۳، وزیر مختار انگلیس در تهران، به ایران آمده و بلافاصله به تکمیل آموخته‌های خود در زبان فارسی پرداخت. آموزگار او، شیخ حسن نامی بود که فردریش روزن (۱۸۵۶-۱۹۳۵) نیز نزد او فارسی آموخته بود. اگر چه کتاب بل بیشتر با نثر ادبی نگاشته شده است، اما توضیحات او کمتر از چاشنی سیاست برخوردار است. هرچند در شرایط خاصی تماس‌های بین فرهنگی می‌تواند تأثیری بر بهبود



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۸۲

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

۱. آنچنان‌که از فحوای کلام وی در کتابش پیداست و آنچنان‌که در رابطه با وی گفته می‌شود، او جزء یکی از عناصر تشکیلات مخفی در ایران بوده و به این واسطه به‌طور حتم با زبان فارسی آشنایی داشته است.

2. Gerterunde Lowtlian Bell (1868- 1926)

3. Sir Frank Lascelles

هوش فرهنگی نداشته باشد و یا حتی فرد را با شوک فرهنگی مواجه کند، اما در مجموع احتمال تأثیر مثبت تماس‌های بین فرهنگی بر هوش فرهنگی بیشتر است و این مبحث در نوشته‌های بل به وضوح قابل مشاهده است، چنان که در برخی موارد معتقد است که کشورش بایستی برخی خصوصیات ایرانیان را سرلوحه قرار دهد، با این حال بل در نگاه به فرهنگ ایرانی در پاره‌ای موارد به ظاهر توجه داشته و از درک عمیق آن مانده است (یزدخواستی و قاسمی، وحید، ۱۳۹۰).

ایزابلا بیشاپ^۱

بیشاپ یکی از زنانی است که در کسوت پزشک، به همراه چند انگلیسی به سرزمین بختیاری مراجعت می‌کند. آنچنان که از کتاب وی پیداست، او هیچ‌گاه از هویت مردان همراه خود پرده بر نمی‌دارد، بیشاپ در فوریه ۱۸۹۰ و از راه بغداد به کرمانشاه وارد شد و پس از دیدار از شهرهای تهران و اصفهان، خود را از راه بختیاری به مردم خرم‌آباد، بروجرد و همدان رساند. سپس به مناطق کردستان سفر کرد و سرانجام ارومیه را به قصد ارز روم ترک گفت. وی در خلال مدتی که در میان ایل بختیاری بود، به دلیل اینکه به زبان فارسی آشنایی داشت، توانست اطلاعات جامعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی منطقه بختیاری تهیه کند (همان: ۱۵ و ۱۶). سفرنامه وی از منابع قابل توجهی است که برای کسب اطلاع از اوضاع و احوال بختیاری‌ها در زمان قاجار، می‌توان به آن توجه نمود. سفرنامه بیشاپ شرایط و احوال بختیاری‌ها را مورد توجه قرار داده که عسرت و تنگدستی در مردم بختیاری و حتی خوانین شایع شده و به دلیل اوضاع و احوال نامناسب، راه‌ها از امنیت برخوردار نبوده و زنان در انزوا به سر می‌بردند (همان: ۱۷).

لیدی شیل^۲

ماری شیل معروف به لیدی شیل همسر سفیر انگلستان جستین شیل^۳ است که کارگردانی زیادی در مسائل سیاسی ایران داشته و طی مأموریتی، لیدی شیل را به ایران می‌آورد (۱۸۴۹ تا ۱۸۴۵). لیدی تقریباً در مرکز سیاست ایران (پایتخت) قرار داشته و به هر جایی رفت و آمد کرده است، به این ترتیب توانسته مجموعه‌ای از خاطرات و مشاهداتش را فراهم کند (شیل، ۱۳۶۲: ۱). از بینش شیل در رابطه با مسائل مختلف آن روزگار می‌توان انعکاس

1. Isabella Bishop
2. Leady Sheil
3. Justine Sheil



نیات انگلیسی‌ها را در رابطه با ایران مورد توجه قرار داد. شیل از معدود افرادی بوده است که توانسته از زندگی خصوصی و شرایط اجتماعی اندرونی شاه و رجال وی نیز اطلاعات کسب کند، همچنین لیدی شیل از آنجا که با زنان درباری و رجال تماس‌های بسیاری داشته است، در کتابش اطلاعات مفیدی درباره آنان ارائه می‌دهد. علاوه بر این، تسلط نسبی او بر زبان فارسی این امکان را به وی داده تا در برقراری ارتباط با زنان راحت‌تر باشد. گرچه در کتاب شیل مایه‌هایی از استهزاء و تحقیر مردم ایران هم دیده می‌شود (همان: ۲ و ۳) اما کتاب او در شمار کتاب‌های معروف تحقیق تاریخی و اجتماعی در زمان قاجاریه و به خصوص اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قرار می‌گیرد (همان: ۲).

الیزابت مکین روز

الیزابت مکین روز، بانوی پزشک انگلیسی در سال ۱۹۰۹ میلادی (۱۳۲۷ ق) هم‌زمان با فتح اصفهان و تهران توسط بختیاری‌ها وارد سرزمین چهارمحال و بختیاری شد. دکتر مکین روز پس از لا یارد، دومین فرد خارجی بود که موفق شد مدت مدیدی در میان ایل بختیاری به سربرد (مکین روز، ۱۳۷۳: ۱). دلیل سفر او به گفته خودش، درخواست نجف‌قلی خان صمصام‌السلطنه جهت معالجه بیماری بختیاری‌ها بوده. او در سفرنامه‌اش به شرح ماجراهای هیجان‌انگیز اقامت خود در ایل بختیاری که یکی از قدرتمندترین عشایر کوه‌نشین منطقه بین اصفهان و کرمانشاه بودند، می‌پردازد و اطلاعات خوبی با ظرافت از زندگی اجتماعی، آداب و رسوم، سنت‌های محلی و باورها و اعتقادات ملی مذهبی، نحوه زندگی در اندرون و حرم‌سراهاى خوانین به خواننده می‌دهد. مکین روز به ویژه با زنان بختیاری دوستی و صمیمیت پیدا نمود، به حدی که مادران، خواهران و زنان خوانین بختیاری که مکین روز به معالجه و معاینه آنها می‌پرداخت، نام بختیاری «بی‌بی گل‌افروز» را برای وی انتخاب نموده بودند (همان، ۹). کتاب او در زمینه تحلیل اجتماعی و فرهنگی که از ویژگی‌های زندگی ایلات است و به خصوص دیدگاهش در رابطه با زنان، خواندنی است (همان، ۱۱).

پیشینه تجربی

با مرور گزارش‌های پژوهشی که در عرصه‌های مختلف به وسیله پژوهشگران داخلی (ریوفت، ۱۳۷۵؛ محمدی، ۱۳۷۵؛ ابوترابی، ۱۳۷۸؛ آزاده، ۱۳۷۹؛ جمیلی، ۱۳۸۲؛ عیبدی، ۱۳۸۳؛ سیدان و محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، راودراد، ۱۳۸۳؛ کریمی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۵) و



پژوهشگران خارجی^۱ صورت گرفته و همچنین نتیجه‌ای که از مرور کتاب‌های تاریخی که به قلم نویسندگان مختلف (زیبا کلام، ۱۳۸۶؛ آبراهامیان، ۱۳۸۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴؛ طباطبائی، ۱۳۸۷؛ فوران، ۱۳۷۷؛ لمبتون^۲، ۱۳۶۲، ۱۳۷۵، ۱۳۷۹؛ کدی، ۱۳۷۵ و...) به عمل آمد، مشخص می‌گردد که اگر چه به صورت ضمنی و بعضاً آشکار به وجود دوسوگرایی در اغلب عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره شده است، اما آن چه مسلم است واکاوی‌ها نشان می‌دهد که بر سر این مسئله اجتماعی و انواع آن خصوصاً با نگاه مستقل زنان، پژوهشی صورت نگرفته و داده‌های آماری دسته‌بندی شده‌ای از وجود این مسئله اجتماعی در خاستگاه تاریخی آن وجود ندارد.

پیشینه نظری

مبحث دوسوگرایی اگر چه به صورت تلویحی به وسیله جامعه‌شناسان کلاسیک همچون امیل دورکیم^۳ (۱۳۷۷)، پاره تو^۴ (آرون، ۱۳۷۷)، مارکس^۵ (۱۳۸۷ و ۱۳۸۸)، وبر^۶ (۱۳۸۷)، زیمل (۱۳۷۳) بیان شده، دیگر جامعه‌شناسان نیز همچون پارسونز^۷ (۱۹۵۷)، باومن^۸ (۱۹۹۱)، گیدنز^۹ (مرتون^{۱۰}، ۱۹۱۶)، اسملسر^{۱۱} (۱۹۹۸)، بوردیو^{۱۲} (۱۹۸۴)، دارندورف^{۱۳} و کوکرهام^{۱۴} (۲۰۰۱)، گافمن^{۱۵} (۱۹۶۷) به صورت مبسوط‌تر، نظر خود را در چالش با نظریه دوسوگرایی رابرت مرتون بیان کردند. بنابراین واضح اندیشه دوسوگرایی در جامعه‌شناسی که به صورت مبسوط به آن پرداخته رابرت مرتون است که پژوهش فوق برای پیگیری اهداف خود، نظریه او را به عنوان چارچوب مفهومی برگزیده است.

1. Roginsky (2006); McMullin and Connidis, 2002; Weingardt, (2000); Fingerman, (2004).
2. Lambton
3. Durkheim
4. Pareto
5. Marx
6. Weber
7. Parsons
8. Bauman
9. Giddens
10. Merton
11. Smelser
12. Bourdieu
13. Dahrendorf
14. Cockerham
15. Goffman



چارچوب مفهومی

مرتون دوسوگرایی را به معنای گرایش‌ها و تمایلات فردی به سوی احساسات، باورها و رفتارهای ناسازگار و متناقض تعریف کرده است (مرتون، ۱۹۷۶، ۱۱-۷). او منشأ دوسوگرایی را به انتظارات هنجاری متناقض نسبت می‌دهد که در ناسازگاری پایگاه اجتماعی افراد استقرار یافته است و تحت عنوان دوسوگرایی جامعه‌شناختی از آن یاد می‌کند. مرتون به شش نوع اصلی دوسوگرایی جامعه‌شناختی اشاره دارد که در رفتارهای دوگانه افراد بروز می‌کند. پژوهش حاضر در نظر دارد تا بر اساس دیدگاه مرتون به نوع‌شناسی دوسوگرایی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ایرانیان در سفرنامه‌های زنان انگلیسی بپردازد. از این رو چارچوب مفهومی برگرفته از نوع‌شناسی مرتون در جدول‌های (۱)، (۲)، (۳)، (۴) و (۵) ارائه می‌گردد:

جدول ۱. نوع‌شناسی دوسوگرایی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بر حسب دامنه، انواع و رفتار

دوسوگرایی روان‌شناختی «بروز در رفتار»	دوسوگرایی جامعه‌شناختی	انواع	دامنه دوسوگرایی
رفتار نوسانی	انتظارهای هنجاری متناقض	نوع ۱	محدودترین معنا «نوع اصلی» یک پایگاه و یک نقش
رفتار سازشکارانه	ستیز ارزش‌ها در مجموعه پایگاهی	نوع ۲	گسترده‌ترین معنا «انواع فرعی» مجموعه پایگاهی فرد
—	ستیز نقش‌های متعدد	نوع ۳	
رفتار ناهمیارانه	تناقض و ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی	نوع ۴	کلیه افراد جامعه
رفتار منحرفانه	تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی	نوع ۵	
رفتار مقلدانه	تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی		



دوسوگرایی جامعه‌شناختی^۱

در فرهنگ واژگان جامعه‌شناسی، دوسوگرایی تمایلی نسبت به شخص یا یک وضعیت معرفی گردیده است که به صورت تناقض پایا و حل نشده میان احساسات و ایده‌های مثبت و منفی نمایان می‌گردد (شرما، ۱۹۲۲: ۳۳) که نخستین بار مرتون به کمک باربر اصطلاح دوسوگرایی را در نظریات جامعه‌شناسی به کار بردند. از دیدگاه مرتون، دوسوگرایی جامعه‌شناختی در گسترده‌ترین معنا به معنای انتظاراتی هنجاری ناموافق با نگرش‌ها، باورها و رفتارهایی است که به پایگاه یا مجموعه‌ای از پایگاه‌ها در جامعه منسوب هستند (مرتون، ۱۹۷۶: ۶). دوسوگرایی جامعه‌شناختی در محدودترین معنا به معنای انتظاراتی هنجاری ناموفقی است که با نقش منفرد در پایگاهی منفرد آمیخته است (همان). از دیدگاه مرتون، چه در گسترده‌ترین معنا و چه در محدودترین معنا، دوسوگرایی در تعریف اجتماعی نقش‌ها و پایگاه‌ها قرار دارد و عامل اصلی به وجود آمدن آن، به نقش‌ها و پایگاه‌ها برمی‌گردد (همان). به این ترتیب دوسوگرایی جامعه‌شناختی از نظر مرتون به شش نوع (همان: ۸-۱۲) تقسیم می‌گردد که عبارتند از:

۱. انتظاراتی هنجاری متناقض^۲

۲. ستیز ارزش‌ها در مجموعه پایگاهی^۳

۳. ستیز نقش‌های متعدد^۴

۴. تناقض و ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی^۵

۵. تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی^۶

۶. تفاوت ارزش‌های فرهنگی^۷

در جدول زیر مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به دوسوگرایی جامعه‌شناسی که مقولات تحلیل محتوا از آن بیرون آمده است را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

1. sociological ambivalence
2. conflicting nomadic Expectation
3. conflict of Interest or of value
4. conflict of several roles
5. contradictory cultural value
6. contradiction between the cultural structure and the social structure
7. differing of cultural values



جدول ۲. مؤلفه‌ها و شاخص‌های دوسوگرایی جامعه‌شناختی (مرتون، ۱۹۷۶: ۱۲-۷)

انواع دوسوگرایی جامعه‌شناختی	تعریف	معرف‌ها (شاخص)
(نوع ۱) انتظارهای هنجاری متناقض	انتظارهایی که به‌طور اجتماعی در مورد نقش اجتماعی ویژه‌ی مربوط به یک پایگاه اجتماعی واحد تعریف شد	رفتار شخصی و غیرشخصی
(نوع ۲) ستیز ارزش‌ها در مجموعه پایگاهی	انتظارهای هنجاری و ارزشی ناموافقی که به پایگاه یا به مجموعه پایگاهی که به افراد مربوط می‌شود ...	ستیز بین ارزش‌های پایگاه دنیوی و اخروی (مذهبی) افراد
(نوع ۳) ستیز نقش‌های متعدد	انتظارات هنجاری، ارزشی، نگرشی متضاد مربوط به نقش‌های متعدد وابسته به یک پایگاه	استاد دانشگاه با نقش‌های چندگانه آموزشی، پژوهشی، اداری و ...
(نوع ۴) تناقض و ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی	ارزش‌هایی که ساختار اجتماعی آنها را در جامعه درونی کرده اما در مقیاس وسیعی با هم در تناقض به سر می‌برند	تناقض در میان ارزش‌های نهاد خانواده و نهاد کسب و کار (اقتصاد)
(نوع ۵) تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی	گسیختگی آرزوهایی که از نظر فرهنگی معین شده و راه و روش‌های تحقق این آرزوها که به‌طور اجتماعی ساختار یافته است	تأکید بر هدف «ثروتمندی» بدون تأکید بر روش‌های نهادی کسب ثروت که عامل بزه‌هایی مثل رشوه می‌گردد (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۴۵۵)
(نوع ۶) تفاوت ارزش‌های فرهنگی	پذیرش ارزش‌ها توسط افراد، از گروه‌هایی که عضو آنها نیستند	انسان‌های حاشیه‌نشین، مهاجران، افراد تحت تأثیر گروه مرجع



دوسوگرایی روان‌شناختی^۱

دوسوگرایی روان‌شناختی عبارت است از احساس هم‌زمان محبت و نفرت نسبت به یک چیز یا یک شخص معین، تعارض حاصل از محرک مشوق که به‌طور هم‌زمان جنبه‌های مثبت و منفی دارد و همچنین تعارض^۲ یعنی حضور هم‌زمان تکانه‌ها، خواست‌ها و گرایش‌های متضاد یا مانع‌الجمع. (ریتال، ریچاردسی و اسمیت، ۱۳۸۸: ۷۱ و ۶۹۷) در حوزه روان‌شناسی بیورکین بلولر از این واژه استفاده کرد و آن را به منزله احساسات متضاد یا مختلط در مورد یک شخص، شیء یا موقعیت دانست، بلولر دوسوگرایی را به سه نوع تفکیک می‌کند:

نوع عاطفی (انفعالی): وجود احساسات ناخوشایند و خوشایند (مثبت و منفی)

نوع داوطلبانه (ارادی): تمایل به انجام یک عمل با میل مشابه برای عدم انجام آن

نوع عقلانی (شناختی): داشتن اندیشه‌ها و عقاید متناقض

از آنجایی که در پژوهش فوق، دوسوگرایی جامعه‌شناختی عامل اصلی دوسوگرایی روان‌شناختی است (مرتون، ۱۹۷۸: ۹-۸) بنابراین دوسوگرایی جامعه‌شناختی هنگامی که خودش را در رفتار بروز می‌دهد، شش نوع رفتار می‌آفریند که عبارتند از:

۱. رفتار نوسانی^۳

۲. رفتار سازشکارانه^۴

۳. رفتار -

۴. رفتار ناهمیارانه^۵

۵. رفتار منحرفانه^۶

۶. رفتار مقلدانه^۷

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به دوسوگرایی روان‌شناختی که مقولات تحلیل محتوای این دوسوگرایی از آن بیرون آمده است در جدول زیر آمده که عبارتند از:

1. psychology ambivalence
2. conflict
3. oscillatory behavior
4. tolerance behavior
5. effective behavior
6. deviant behavior (innovative behavior)
7. imitative (mimic) behavior



جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های دوسوگرایی روان‌شناختی

معرف (شاخص‌ها)	تعریف	دوسوگرایی روان‌شناختی در رفتار
(نوع ۱) رفتار نوسانی (مرتون، ۱۹۷۶: ۸)	حرکت بین دو قطب مثبت و منفی، حضور همزمان حالات، تکانه‌ها، خواست‌ها و گرایش‌های متضاد یا مانع‌الجمع در رفتار (ریتال، ریچاردسی و اسمیت، ۱۳۸۸: ۶۹۷، ۷۰۱)	مقرراتی بودن و بی‌بند و باری (مرتون، ۱۹۷۸-۱۹۷۶)
(نوع ۲) رفتار سازشگرانه (همان: ۹)	رفتارها و کردارهایی که موجود زنده برای تطبیق، سازش و همنوایی خود با شرایط محیطی انجام می‌دهد (پیاز، ۱۳۸۵). مانند رفتار سازشکارانه دینی (مداهنه و مصانعه). (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۴، ۳۴۹؛ مطهری، ج ۱۷، ۲۴۸)	می‌گساری، غیبت، احتکار، قسم دروغ، سازش با حاکمیت جبار از روی مصلحت
(نوع ۴) رفتار ناهمیارانه	رفتاری که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال نفع فردی است. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۱۳۴)	راستگویی و پنهان‌کاری
(نوع ۵) رفتار منحرفانه	مجموعه رفتارها و اعمالی که مغایر با ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اکثریت جامعه بوده و بیشتر افراد آن را نادرست تلقی کنند. (سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۴؛ به نقل از نتر، ۱۳۸۴ و هریشی، ۱۹۷۳؛ ستوده: ۱۳۸۹، ۳۵ و ۳۶)	تملق و چاپلوسی، رشوه، نقض عهد، دورویی
(نوع ۶) رفتار مقلدانه	رفتارهایی که از طریق مشاهده، تأسی، پیروی و همان‌سازی از رفتار فرد یا گروه دیگر پرداخته (باندورا، ۱۳۷۲: ۳۰-۲۷)، مانند تقلید در فرهنگ که شامل مادی و معنوی است (روح‌الامینی، ۱۳۷۱: ۲۴)	ابزار و وسایل، آداب و رسوم، سیاست، قوانین و (همان)



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۹۰

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

پایگاه و نقش^۱

پایگاه احراز یا تصاحب موقعیتی در نظام اجتماعی به وسیله افرادی معین است. یک پایگاه متضمن مجموعه‌ای از انتظارات فرهنگی است که اجرای واقعی روابط اجتماعی را در میان موقعیت‌های اجتماعی هدایت می‌کند. (گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۲۶ به نقل از لینتن، ۱۹۳۰)

مجموعه پایگاهی^۲

ترکیبی از موقعیت‌های جداگانه که هم در محدوده و هم مابین سیستم‌های اجتماعی به افراد واگذار می‌شود، مانند پایگاه‌های جداگانه معلم، زن، مادر، کاتولیک و جمهوری خواه (گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۲۶ به نقل از مرتون)

نقش^۳

رفتاری که از انتظارات الگو یافته منتسب به یک موقعیت ناشی می‌شود. (همان)

مجموعه نقش^۴

در حالی که لینتن هر پایگاه را مناسب یک نقش واحد می‌داند، مرتون معتقد است ثمربخش‌تر آنست که هر پایگاه را در برگیرنده تعدادی از نقش‌ها به تصور آوریم که در ارتباط با انواعی از مکمل‌های آن پایگاه، به‌طور مشترک ایفا می‌گردد که به آنها مجموعه نقش‌ها می‌گویند. (همان)

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به پایگاه، مجموعه پایگاهی، نقش و مجموعه نقش که مقولات تحلیل محتوا از آن بیرون آمده عبارتند از:

1. status and role
2. set of status
3. role
4. set of role



جدول ۴. پایگاه نقش بر حسب مقوله، پایگاه، مجموعه پایگاهی، نقش و مجموعه نقشی (گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۲۹)

مقوله: پایگاه نقش	پایگاه	مجموعه پایگاهی	نقش	مجموعه نقشی
فرد گروه	تصاحب موقعیت در نظام اجتماعی که انتظارات معین می‌طلبد (گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۲۶)	ترکیبی از موقعیت‌های جداگانه برای افراد در جامعه (همان)	رفتار برآمده از انتظارات منتسب به موقعیت فرد در جامعه (همان)	نقش‌های مربوط به پایگاه در ارتباط با انواعی از مکمل‌های آن پایگاه (همان)
	استاد دانشگاه	مرد- کاتولیک-پدر	محقق	همکار، کارمند، همسر
	خانم خانه‌دار	زن- جمهوری‌خواه	معلم	دانشجو، فرزند
	ایران	مادر	مدیر	کارمند دستگاه اداری، همکار
آمریکائیان	استاد دانشگاه- مرد- پروستان	پدران	کارمند سیاسی، همکار دانشگاهی	



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۹۲

عرصه ۲

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

عرصه، فضای ساخت‌مندی است از جایگاه‌ها که در طول زمان به وجود آمده، رشد کرده و تغییر شکل داده است (استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۶). عرصه‌ها از دیدگاه بوردیو همان فضاهای زندگی اجتماعی (مانند میدان و فضای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی، زیباشناختی، هنری و...) هستند که در شبکه‌ای از روابط عینی به سر می‌برند و در آن نیروهای بالقوه و بالفعل با یکدیگر وارد تبادل می‌شوند (ریتزر، ۱۳۸۰: ۷۲۴ و فکوهی، ۱۳۸۹: ۲۹۹) مانند فضای فرهنگی - سیاسی که بر هم کنشی و تبادل دو میدان سیاست و فرهنگ را مد نظر دارد. مشارکت‌کنندگان در عرصه‌ها درست همانند بازیگران یک بازی، موقعیت‌های متفاوتی دارند (جلانی‌پور، محمدی، ۱۳۸۳).

به عنوان مثال در پژوهش حاضر، شاه بر مسند حکومت ایران و منشی و کاتب دربار هر دو در عرصه سیاست هستند، هر چند موقعیت آنان با هم متفاوت است. عرصه‌ها در عین حال

1. Grothers
2. field

میدان مبارزه و منازعه اجتماعی هستند که برای حفظ قدرت فرادستان یا تعظیم و فرودستان میدان رقابت بین کنشگران محسوب می گردند. (توسلی، ۱۳۸۳)

بورديو معتقد است هر چه جامعه به سمت مدرن شدن پیش رود، عرصه‌ها تفکیک شده و بیشتر به استقلال می‌رسند، مانند تفکیک و استقلال عرصه‌های سیاست و فرهنگ. (لش، ۱۳۸۳: ۳۳۸)

ناگفته پیداست که اگر چه از بر هم کنشی فضاهاى سياسى و اقتصادى صحبت به میان می‌آید، اما در این فضاها، فضای فرهنگی حتماً دخیل هستند چرا که بسیاری از رفتارهای سیاسی و اقتصادی توسط فرهنگ و فضای فرهنگی تعریف می‌گردد. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عرصه‌ها که مقولات تحلیل محتوا از آن بیرون آمده است در جدول زیر عبارتند از:

جدول ۵. عرصه‌ها بر حسب مؤلفه، تعریف، معرف ۲۰۱

مؤلفه	تعریف	معرف (شاخص)، شماره ۱	معرف (شاخص)، شماره ۲
مؤلفه "فضا- میدان" عرصه	میدان و فضاهاى فرهنگى اجتماعى که در شبکه‌ای از روابط عینی به سر می‌برند و بین آنها تبادل، ارتباط و برهم کنشی وجود دارد (ریترز، ۱۳۸۰: ۷۲۴)	روابط فضاهاى فرهنگى - سياسى	حکومت، دولت، قوه قهریه، خلیقات، آداب و رسوم
		روابط فضاهاى فرهنگى - نظامى	نیروهاى مسلح، فرماندهان، عادات و آداب، ارزش‌ها، هنجارها
		روابط فضاهاى فرهنگى - اجتماعى	مردم، گروه‌ها، ارزش‌ها، عادات، هنجارها، عقاید
		روابط فضاهاى فرهنگى - سياسى (سیاست خارجى)	معاهدات، روابط، دیپلماسى، عرف، خلیقات و عادات
		روابط فضاهاى فرهنگى - اقتصادى	تولید، فروش، مالیات، عادات و آداب، ارزش‌ها
		روابط فضاهاى فرهنگى - مذهبى (دینى)	ارزش‌ها، باورها، عرف، تعالیم دینى، تکالیف، آئین‌ها، هنجارهاى دینى



بحث و نتیجه گیری

هدف این مقاله بررسی دوسوگرایی دوره قاجار از نگاه سفرنامه نویسان زن انگلیسی بوده است. چشم انداز زنانه در مورد تفسیر پدیده‌ها با چشم انداز مردانه در مورد همان پدیده‌ها متفاوت بوده و دارای اختلاف است، چرا که تفاوت در چشم انداز و امکانات هرمنوتیکی جدید هر دو پیامد ساختار روان شناختی مشخصاً زنانه و مردانه‌اند و این تفاوت در چشم انداز امکان جدیدی را برای دیدن و تفسیر کردن فراهم می‌آورد. به این ترتیب مقاله حاضر اهمیت بررسی مسئله دوسوگرایی به دلیل جذب مشکلات عدیده در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی از چشم انداز زنانه و با نگاهی جامعه‌شناختی را مورد توجه قرار داده و به کندوکاو در میان سفرنامه‌های انگلیسی نوشته شده به دست پنج نفر از مسافران زن پرداخته و دوسوگرایی‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناختی دوران ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ه.ق؛ ۱۸۴۸م)، محمدعلی شاه (۱۳۲۴ه.ق؛ ۱۹۰۸م) و احمد شاه (۱۳۳۲ه.ق؛ ۱۹۱۳م) قاجار را نیز با استفاده از نظریه دوسوگرایی رابرت مرتون، نوع‌شناسی و مورد تجزیه و تحلیل جامعه‌شناختی قرار دادیم. شناسایی این انواع در میان اقشار و طبقات مختلف و در بین عرصه‌های مختلف صورت گرفت. مشاهدات سفرنامه نویسان زن از جامعه ایرانی دوره قاجار نشان داد که:

از مجموع ۱۰۰ مورد دوسوگرایی مشاهده شده: نوع ۱ (انتظارهای هنجاری متناقض) با ۶ درصد، نوع ۲ (تناقض ارزش‌ها در مجموعه پایگامی) ۱۷ درصد، نوع ۴ (ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی) با ۴ درصد، نوع ۵ (تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی) با ۳۶ درصد و نوع ۶ (تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی) با ۳۷ درصد، دوسوگرایی جامعه‌شناختی سلطنت قاجار را در سه دوره مربوط به ناصرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمد شاه تشکیل می‌دهد. از آنجایی که برون داد دوسوگرایی جامعه‌شناختی، دوسوگرایی روان‌شناختی است بنابراین از مجموع ۱۰۰ مورد مشاهده شده، رفتار نوسانی با درصد ۶، رفتار سازشکارانه با درصد ۱۷، رفتار ناهمیارانه با درصد ۴، رفتار منحرفانه با درصد ۳۶ و در نهایت رفتار مقلدانه با درصد ۳۷، دوسوگرایی روان‌شناختی این سه دوره را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند از مجموع ۱۰۰ مورد دوسوگرایی جامعه‌شناختی، بالاترین میزان با فراوانی و درصد ۳۷، به نوع ۶ یا «تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی» برمی‌گردد و به این ترتیب به تبع آن «رفتار مقلدانه»، با فراوانی



و درصد ۳۷ بالاترین میزان را در میان انواع مختلف دوسوگرایی روان‌شناختی به خود اختصاص می‌دهد. سپس نوع ۵ دوسوگرایی جامعه‌شناختی یعنی همان «تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی» با فراوانی و درصد ۳۶، بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد و به تبع آن «رفتار منحرفانه» با ۳۶ درصد، بالاترین میزان دوسوگرایی روان‌شناختی را دارا است. در نهایت «تناقض ارزش‌ها در مجموعه پایگاهی» یا نوع ۲ دوسوگرایی جامعه‌شناختی با فراوانی و درصد ۱۷ بالاترین میزان دوسوگرایی جامعه‌شناختی را داراست و به همین ترتیب «رفتار سازشکارانه» با ۱۷ درصد پس از دو رفتار مذکور قرار می‌گیرد. از آنجایی که از میان این پنج زن انگلیسی، چهار نفر آنها، کل طول سفر خود را و یا نیمی از آن را در میان بختیاری‌ها گذراندند، مسلم این است که مشاهده آنها از نوع ۶ دوسوگرایی و به تبع آن رفتار مقلدانه بیشتر باشد، چرا که به‌زعم گفتارهای خودشان یکی از مهم‌ترین خصوصیات بختیاری‌ها اشتیاق آنها به تقلید از عناصر مادی و معنوی فرهنگ از میان انگلیسی‌ها و دربارهای پادشاهان بوده است، در نهایت به دلیل ارتباط بیشتر این سفرنامه‌نویسان با این طایفه، مشاهدات آنها نیز از رفتار مقلدانه بیشتر از رفتارهای دیگر، که این خود حاکی از آن است که نه تنها حکام عصر قاجار، بلکه برخی سران طوایف ایران تحت تأثیر شدید فرهنگ غربی قرار داشتند، این وضعیت تا حدی حکایت از نفوذ استعماری فرهنگ غربی و رواج یافتن آن از سمت قشر نخبگان سیاسی و حکام جامعه به سمت مردم داشته است که البته این امر به نسبت طبقات، پایگاه‌ها و اقشار مختلف مردم در نوسان است. در رابطه با نوع ۵ و رفتار منحرفانه نیز از آنجایی که ساختار ایران در دوران قاجار نمونه یک ساختار متصلب است و عناصر منظومه قدرت ناظران شرایطی هستند که به دلیل کمبودهای کارکردی منابع مشروع، منابع نامشروع کارکردی جذابیت بیشتری برای رسیدن به اهدافشان دارد، بنابراین سعی در استفاده از این منبع کرده و عامل شکل‌گیری رفتار منحرفانه می‌شوند.

در نگاهی که به پایگاه‌ها و طبقات عصر قاجار می‌کنیم، متوجه می‌شویم که طبقه بالا یا همان هیئت حاکمه در سه دوره مورد بررسی بالاترین میزان مشاهده دوسوگرایی را با فراوانی و درصد ۵۰ به خود اختصاص داده که در میان آنها قشر نخبگان محلی با ۲۰ درصد و قشر نخبگان مرکزی با ۱۸ درصد بالاترین میزان مشاهده دوسوگرایی را به‌وسیله این مسافران زن به خود اختصاص داده‌اند، پس از این طبقه بالاترین میزان‌ها به پایگاه‌هایی





برمی‌گردد که سفرنامه‌نویسان به‌طور اختصاصی به آنها پرداختند. در میان این پایگاه‌ها، پایگاه ایرانیان با فراوانی و درصد ۱۹ و سپس پایگاه زنان عامه و معمولی با فراوانی و درصد ۱۲ بیشترین میزان‌های دوسوگرایی را به‌خود اختصاص داده‌اند که سفرنامه‌نویسان به‌طور کلی در رابطه با همه ایرانیان آن‌را به‌کار برده‌اند. در میان طبقه متوسط (با ۱۱ درصد دوسوگرایی) قشر متوسط رو به بالا با فراوانی و درصد ۹ بالاترین میزان را داراست. از مجموع پنج سفرنامه‌نویس، سه نفر آنها دارای شغل پزشکی بودند و دو نفر فعال در عرصه سیاسی بوده‌اند (بل، مأمور سیاسی - نظامی و لیدی شیل، همسر وزیر مختار انگلیس)، اگرچه این پزشکان با عناوین غیرسیاسی به ایران آمده‌اند، اما در حقیقت در بیشتر مواقع یا همراهان سیاسیون و یا به‌صورت غیررسمی گزارشگران سیاسی دولت‌های مطبوع خود محسوب می‌شدند و به‌زعم خودشان در مرکز سیاست ایران و در حال رفت و آمد با رجال ایران بودند که همین امر آنها را نسبت به مباحث سیاسی ایران تحت تأثیر قرار می‌داده و شاهد آن همان اطلاعات دوسوگرایی است که بیشتر از عرصه فرهنگی - سیاسی (با فراوانی و درصد ۵۱) توسط آنها گزارش شده است. با این حال همه آنان با وجود مأموریت سیاسی بیشتر وقت خود را در بین مردم جامعه می‌گذراندند، حتی آنان که بیش از همه در ارتباط با دربارها به سر می‌بردند، در یک یا حتی دوسالی که در میان مسیرها و راه‌ها تا پایتخت رفت و آمد می‌کردند، بیشتر در میان مردم بودند. به این ترتیب بیشترین دوسوگرایی‌ها پس از عرصه سیاسی - فرهنگی در عرصه فرهنگی - اجتماعی (با فراوانی و درصد ۲۲) بوده است. همچنین بعد از طبقات بالا (هیئت حاکمه با فراوانی و درصد ۵۰)، طبقات متوسط (با فراوانی و درصد ۱۱) و سپس پایگاه ایرانیان (با فراوانی و درصد ۱۹) بالاترین میزان دوسوگرایی‌ها را داشته‌اند، به این معنا که شاهد سرایت دوسوگرایی‌ها از رأس هرم به سمت قاعده هستیم.

همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد، بیشترین دوسوگرایی‌های جامعه‌شناختی مشاهده شده از نظر آنها نوع ۶ با فراوانی و درصد ۳۷، نوع ۵ با فراوانی و درصد ۳۶ بوده است و نوع ۲ با فراوانی و درصد ۱۷ است که به تبع انواع فوق، شاهد رفتار مقلدانه، رفتار منحرفانه و رفتار سازشکارانه به‌عنوان بالاترین میزان‌های دوسوگرایی روان‌شناختی بوده‌اند. مسافران انگلیسی در طول سفر خود بیش از پیش شاهد عناصر معنوی فرهنگ (۲۰درصد)، عناصر مادی فرهنگ (۱۷ درصد)، توطئه، مکر و نیرنگ (۱۳درصد)، مصلحت‌اندیشی (مداهنه

سیاسی با ۷ درصد) و رشوه و می‌گساری (هر کدام ۵ درصد) بوده‌اند. نتایج تفصیلی فوق در قالب جداول و تفسیر آنها در زیر آورده شده است.

جدول ۶. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی جامعه‌شناختی برای کل عصر قاجار

نوع دوسوگرایی جامعه‌شناختی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
انتظارهای هنجاری متناقض (نوع ۱)	۶	۶	۶
تناقض ارزش در مجموعه پایگاهی (نوع ۲)	۱۷	۱۷	۲۳
ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی (نوع ۴)	۴	۴	۲۷
تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی (نوع ۵)	۳۶	۳۶	۶۳
تفاوت و تعارض ارزش‌های فرهنگی (نوع ۶)	۳۷	۳۷	۱۰۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	

طبق نتایج به دست آمده بیشترین فراوانی (۳۷) و درصد ۳۷ مربوط به نوع ۶ دوسوگرایی جامعه‌شناختی یا همان تفاوت و تعارض فرهنگی است. بعد از نوع ۵، بیشترین درصد به نوع ۵) یا تناقض و ستیز بین ساختار فرهنگی و ساختار اجتماعی با ۳۶ درصد و (نوع ۲) تناقض ارزش در مجموعه پایگاهی با ۱۷ درصد برمی‌گردد. در این میان یافته‌ها نشان می‌دهد که کم‌ترین میزان دوسوگرایی در این دوره به نوع ۴ یعنی ناسازگاری ارزش‌های فرهنگی و نوع ۱، انتظارهای هنجاری متناقض در جامعه برمی‌گردد که به ترتیب شامل ۶ و ۴ درصد هستند.

جدول ۷. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی روان‌شناختی برای کل عصر قاجار

دوسوگرایی روان‌شناختی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
رفتار نوسانی	۶	۶	۶
رفتار سازشکارانه	۱۷	۱۷	۲۳
رفتار ناهمیارانه	۴	۴	۲۷
رفتار منحرفانه - نوآوری	۳۶	۳۶	۶۳
رفتار مقلدانه	۳۷	۳۷	۱۰۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	



همان‌طور که بیان کردیم برون داد هر یک از انواع دوسوگرایی جامعه‌شناختی نوع خاصی از رفتار (دوسوگرایی روان‌شناختی) است، بنابراین در دوران قاجار بالاترین میزان دوسوگرایی روان‌شناختی مربوط به رفتار مقلدانه با ۳۷ درصد است. بعد از رفتار منحرفانه، بالاترین میزان دوسوگرایی روان‌شناختی را با ۳۶ و رفتار سازشکارانه با ۱۷ درصد فراوانی به خود اختصاص می‌دهند. در نهایت پایین‌ترین میزان رفتار دوسوگرا در دوران قاجار مربوط به رفتار نوسانی با ۶ و رفتار ناهمیارانه با ۴ درصد فراوانی بوده است، که در حقیقت خاستگاه این رفتارها در همان دوسوگرایی روان‌شناختی است که سفرنامه‌ها به آنها اشاره کردند.

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصد انواع مختلف رفتارهای مربوط به دوسوگرایی روان‌شناختی کل عصر قاجار

درصد	فراوانی	نوع دوسوگرایی روان‌شناختی	نوع کلی دوسوگرایی روان‌شناختی
۳	۳	مقرراتی بودن و بی‌بندوباری	رفتار نوسانی
۱	۱	همدردی و بی‌تفاوتی	
۰	۰	عشق و نفرت	
۱	۱	خوش سلوک و وحشی	
۰	۰	سنتی و مدرن	
۱	۱	جذب و دفع	
۰	۰	رفتار شخصی و غیرشخصی	
۰	۰	نقض عهد	
۰	۰	تناقض نظر با عمل	
۰	۰	خوشایندی و ناخوشایندی	
۰	۰	سایر	
۵	۵	می‌گساری	رفتار سازشکارانه (مداخته)
۲	۲	غیبت	
۰	۰	احتکار	
۱	۱	ریا	
۲	۲	نزول	
۰	۰	قمار	





۰	۰	کم‌فروشی	رفتار سازشکارانه (مداهمه)	
۰	۰	دروغ		
۰	۰	قسم دروغ		
۰	۰	ریا		
۷	۷	مصلحت‌اندیشی		
۰	۰	اظهار واقعیت - مبالغه و اغراق	رفتار ناهمیارانه	
۰	۰	دورویی - روراستی		
۰	۰	تظاهر به فقر - ثروتمندی		
۱	۱	تقیه - انقلابی		
۱	۱	اظهار واقعیت - تظاهر		
۰	۰	وطن پرستی - خودخواهی		
۰	۰	بیگانه ستیزی - شیفتگی به پول		
۱	۱	اظهار واقعیت - تمارض		
۱	۱	راستگویی - دروغ		
۰	۰	درستکاری - زدوبند		
۳	۳	تملق و چاپلوسی	رفتار منحرفانه	
۲	۲	دروغ		
۱	۱	خیانت		
۱۳	۱۳	توطئه (مکرو نیرنگ)		
۵	۵	رشوه		
۰	۰	مبالغه و اغراق		
۰	۰	تمارض		
۲	۲	قسم دروغ		
۴	۴	دورویی		
۰	۰	نقض عهد		
۶	۶	تظاهر		
۱۷	۱۷	عناصر مادی فرهنگ		رفتار مقلدانه
۲۰	۲۰	عناصر معنوی فرهنگ		
۱۰۰	۱۰۰	کل		

در اعمال حاصل از رفتارهای دوسوگرایانه، تقلید از عناصر معنوی با بالاترین فراوانی و درصد ۲۰، تقلید از عناصر مادی فرهنگ ۱۷ درصد، توطئه (مکر و نیرنگ) ۱۳ درصد، مصلحت‌اندیشی با فراوانی و درصد ۷ و تظاهر با ۶ درصد و در نهایت رشوه و می‌گساری هر یک با ۵ درصد، بالاترین میزان رفتارهای دوسوگرا را به‌خود اختصاص می‌دهند.

جدول ۹. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی در عرصه‌های مختلف در کل دوره قاجار

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	عرصه‌ها
۵۱	۵۱	۵۱	فرهنگی - سیاسی
۷۳	۲۲	۲۲	فرهنگی - اجتماعی
۹۴	۲۱	۲۱	فرهنگی - مذهبی
۹۷	۳	۳	اجتماعی - سیاسی
۹۷	۰	۰	فرهنگی - اقتصادی
۹۹	۲	۲	فرهنگی - سیاسی (سیاست خارجی)
۱۰۰	۱	۱	فرهنگی - نظامی
	۱۰۰	۱۰۰	کل



طبق نتایج به‌دست آمده بیشترین فراوانی و ۵۱ درصد دوسوگرایی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مربوط به عرصه فرهنگی - سیاسی است. پس از آن، عرصه فرهنگی - اجتماعی با بالاترین میزان فراوانی و ۲۲ درصد دوسوگرایی را تجربه کرده که تفاوت چشمگیری با عرصه فرهنگی - مذهبی که دارای ۲۱ درصد است، نداشته و جزء بالاترین عرصه‌هایی محسوب می‌شوند که دوسوگرایی در آنها روی داده است. در نهایت کمترین میزان دوسوگرایی در (سیاست خارجی) و نظامی وجود داشته که البته به‌غیر از «بل» آن‌هم به‌طور نسبی دیگر مسافران انگلیسی ارتباطی با عرصه سیاسی نظامی نداشتند، یا اگر هم داشتند به‌طور غیرمستقیم و خیلی محدود بوده است (با ۱ و ۲ درصد). در عرصه فرهنگی - اقتصادی هیچگونه مشاهده‌ای صورت نگرفته است.

جدول ۱۰. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی در دوره‌های زمانی
سلطنت پادشاهان مختلف دوران قاجار

نام شاه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ناصرالدین شاه	۶۶	۶۶	۶۶
فتحعلی شاه	۰	۰	۶۶
محمدعلی شاه	۲۴	۲۴	۹۰
مظفرالدین شاه	۰	۰	۹۰
محمدشاه	۰	۰	۹۰
احمدشاه	۱۰	۱۰	۱۰۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	

نتایج حاکی از آنست که دوسوگرایی روان‌شناختی و خاستگاه آن یعنی دوسوگرایی جامعه‌شناختی و در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه بیشترین میزان فراوانی و درصد ۶۶ را به‌خود اختصاص داده است. پس از وی، دوران پادشاهی محمدعلی شاه قاجار با فراوانی، درصد و در نهایت کمترین میزان دوسوگرایی تجربه شده که با ۱۰ درصد مشاهده می‌شود. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهند، در میان سایر پادشاهان باقیمانده، دوسوگرایی مشاهده نشده است.

جدول ۱۱. توزیع فراوانی و درصد دوسوگرایی در طبقات (اقشار) و پایگاه‌ها در کل دوران قاجار

پایگاه	پایگاه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هیأت حاکمه	شاهان	۱۲	۱۲	۱۲
	نخبگان مرکزی حکومت	۱۸	۱۸	۳۰
	نخبگان محلی حکومت	۲۰	۲۰	۵۰
قشر متوسط	قشر متوسط رو به بالا	۹	۹	۵۹
	قشر متوسط رو به پایین	۲	۲	۶۱
قشر پایین	قشر پایین	۱	۱	۶۲
مقامات مذهبی	مقامات مذهبی	۱	۱	۶۳
ایرانیان	ایرانیان	۱۹	۱۹	۸۲
زنان ایرانی	زنان عامه و معمولی	۱۲	۱۲	۹۴
	زنان منتسب به قشر بالا	۶	۶	۱۰۰
کل	کل	۱۰۰	۱۰۰	



طبق یافته‌های جدول فوق، بیشترین دوسوگرایی جامعه‌شناختی و رفتار حاصل از آن، دوسوگرایی روان‌شناختی در میان طبقه بالا (هیئت حاکمه) و در قشر نخبگان محلی حکومت با فراوانی و درصد ۲۰ و قشر نخبگان مرکزی حکومت با ۱۸ درصد اتفاق افتاده است. بعد از این گروه‌ها، پایگاه‌هایی قرار می‌گیرند که این سفرنامه‌نویسان زن به‌صورت کلی در سفرنامه‌های‌شان از آنها نام برده‌اند و در میان آنها ابتدا ایرانیان با ۱۹ درصد و سپس زنان عامه و معمولی با ۱۲ درصد بالاترین میزان مشاهدات دوسوگرایی را نشان دادند. در میان طبقه متوسط قشر متوسط رو به بالا، با ۹ درصد بالاترین میزان دوسوگرایی را به‌خود اختصاص داده‌اند. در نهایت تنها گروهی که دارای پایین‌ترین میزان مشاهدات دوسوگرایی از جانب این زنان بوده، مقامات مذهبی (با ۱ درصد) هستند.

نکته‌ها

- همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهند، نوع ۳ دوسوگرایی (تعارض نقش‌ها) در این سه دوره پادشاهی توسط این زنان مشاهده نشده است که عدم وجود این نوع، به این دلیل است که ایران در دوران سلطنت قاجارها (یعنی بازه سال‌های ۱۲۱۰ هـ. ق که مقارن با سال‌های ۱۸۰۰ میلادی در اروپا، یعنی همان زمانی که دوران کشورگشایی و جنگ و گریزهای کشورهای غربی برای به‌دست آوردن منابع و سرزمین‌های جدید است)، صحنه آشوب و جنگ و گریز خودخواهانه قبایل مختلف برای در دست گرفتن قدرت سیاسی است. دوران سنتی که اقتصاد در ضعیف‌ترین شکل آن و سیاست تحت تأثیر حکومت‌های استبدادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۴) در چنین شرایطی نقش‌ها به‌قدری محدود است که نمی‌توان از تفکیک نقشی سخن به میان آورد و از آنجایی که جامعه یک وضعیت پیش از قانون را تجربه می‌کند (همان) و استبداد به گونه‌ای است که دارنده نقش‌های متعدد، خودش چگونگی انجام نقش‌ها را مشخص می‌کند و ضمانت اجرایی بر سر انجام دادن یا ندادن نقش‌ها وجود ندارد، بنابراین در چنین ساختاری هیچ‌گاه تعارض در نقش بروز نخواهد کرد.
- از آنجایی که پنج مسافر زن انگلیسی در سه دوره ناصرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه به ایران آمدند، بنابراین در دیگر دوره‌ها دوسوگرایی گزارش نشده است. اما در این میان دوران ناصرالدین‌شاه قاجار با داشتن فراوانی و درصد ۶۶، و پس از



آن دوران محمدعلی شاه قاجار با داشتن فراوانی و درصد ۲۴ بالاترین میزان دوسوگرایی را داشته است. در نهایت دوران احمدشاه قاجار با داشتن فراوانی و درصد ۱۰ بعد از این دو قرار دارد. گزارش بیشترین دوسوگرایی در دوره ناصری به این دلیل است که دوران ناصرالدین شاه به عنوان طولانی ترین دوران سلطنت قاجاریان (نزدیک به ۵۰ سال) از مهم ترین دورانها در تاریخ ایران است. زیرا او ارتباطهای بیشتری نسبت به دیگر پادشاهان قاجار با اروپاییان داشته و امتیازهای عمده ای که در دوران او به انگلیسی ها داده شده، زمینه ساز ارتباطهای بیشتری با این کشور شده است. به همین دلیل، آمد و شد سفیران و مسافران خارجی در زمان وی به داخل ایران، بیش از دوران پادشاهان دیگر است (فوران، ۱۳۷۷). به همین مناسبت از میان پنج سفرنامه نویسنده زن انگلیسی وارد شده به ایران، سه تن از آنها در دوره ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمدند (بیشاپ، بل و شیل) و مشخصاً دوسوگرایی های مشاهده شده در این دوران، بیش از دوره های دیگر است. همان طور که نتایج نشان می دهند بعد از دوره ناصری، دوره محمدعلی شاه و سپس احمدشاه قرار می گیرد که شاهد دوسوگرایی های آنها در هر دوره، یک سفرنامه نویسنده بوده است.

۳. همان طور که نتایج نشان می دهد، هر چقدر فاصله اقشار و پایگاهها از رأس هرم قدرت در سلطنت قاجار کمتر می شود، به همان نسبت به میزان دوسوگرایی ها افزود می گردد، چنانکه قشر نخبگان مرکزی و محلی حکومت با داشتن کمترین فاصله از رأس هرم قدرت (شاهان) دارای بیشترین میزان دوسوگرایی ها بوده اند. اما در این میان دوسوگرایی مشاهده شده در میان نخبگان محلی بیشتر دیده شده که این مسئله نیز به همان ارتباطی برمی گردد که بیشتر این سفرنامه نویسان با طایفه و سران ایل بختیاری داشته اند.

۴. سؤالی که ممکن است در این بین پیش آید این است که چرا سفرنامه نویسان زن با اینکه با دربارها در ارتباط بودند، اما اطلاعات کمی را در خصوص زنان درباری ارائه دادند؟ و از طرفی چرا با وجود اینکه آنان با جنسیت زن به مشاهده می پرداختند، اطلاعاتی را که از دوسوگرایی عرضه کرده اند بیشتر از هیئت حاکمه (قشر نخبگان محلی) است تا زنان؟ در پاسخ باید گفت که از این پنج تن، سه تن





پزشک بودند که از این سه تن (بیشاپ، مکین روز و رایس، البته نه به طور کامل) در میان ایلات بختیاری بوده‌اند و به دلیل اینکه برای تشخیص و درمان بیماران به ایران آمده بودند پس با کلیه مردم ایران در ارتباط بودند تا یک قشر خاصی مانند زنان، حتی همین سه زن در بسیاری از جاهای سفرنامه‌های خود متذکر شدند که به خوبی نمی‌توانستند با زنان ارتباط داشته باشند، زیرا هنگامی که زنان برای دیدن آنها به چادرها می‌رفتند، نگهبانان خان‌ها آنها را از آنجا متفرق کرده و در بقیه موارد هم آنها به دلیل کسوت پزشکی خود، کمتر قادر به ارتباط با زنان بودند (بیشاپ، ۱۳۷۵). در رابطه با سفرنامه نویسانی مانند شیل و بل هم باید گفت بل به دلیل مأموریت سیاسی و نظامی و اشتغال به مباحث باستان‌شناسی کمتر با زنان در ارتباط بوده است (بل، ۱۳۶۳)، اما شیل دوران حضور خود در ایران را دوران بسیار خاص سیاسی و دارای تشنج می‌داند که در بسیاری از موارد، وقایع باعث می‌شده عطای بیرون رفتن از سفارت‌خانه را به لقایش ببخشد (شیل، ۱۳۶۲) و در عین حال نمی‌توان از نظر دور داشت که زنان ایرانی در آن زمان کمتر در عرصه اجتماعی حضور داشتند و شاید نتوان سبک زندگی خصوصی و اجتماعی آنها را به درستی تشخیص داد. از طرفی این زنان هیچ کدام به تنهایی به ایران نیامده بودند، بلکه هر کدام با هیئتی سیاسی وارد ایران شده و هر کجا این هیئت مأموریت داشته، این افراد نیز همراه آنها حضور داشتند. به این ترتیب اطلاعات آنها از عرصه فرهنگی سیاسی و در میان قشر نخبگان مرکزی یا محلی بیشتر از دیگر اقشار است. در رابطه با پایگاه روحانیون (به جز روحانیون درباری)، روحانیونی که بیشتر در میان توده مردم بودند به میزان کم‌تری با راس هرم قدرت در ارتباط بودند و بعضاً از مخالفان نظام حاکم و ارتباط با اروپاییان بودند. روحانیون ارتباط با مردان اروپایی را نمی‌پسندیدند و مسلم این است که درباره زنان مسافر اهمیت این عدم ارتباط بیشتر است، به همین علت زنان سفرنامه‌نویس به ندرت با آنها در ارتباط بودند. از طرفی به دلیل تقید بیشتری که نسبت به مسائل مذهبی داشتند، از میزان دوسوگرایی کمتری برخوردار بوده‌اند (فوران، ۱۳۷۷).

۵. نتایج به دست آمده در چالش با گزارش‌های بسیاری از مورخان، نویسندگان و محققانی که به بیان ویژگی‌های ساختار قدرت سیاسی قاجاریه در سطح کلان

پرداختند و همچنین طبق رویکرد مورد استفاده در این تحقیق (رویکرد مرتون)، شرایط جامعه و ساختار قدرت قاجار عاملی می‌شود که افراد خود را در تکاپو برای به‌دست آوردن خدماتی معین بیاندازند، و همان‌طور که بسیاری از پژوهشگران و مورخان تا به امروز در آثار خود آورده‌اند، از آنجایی که ساختار اجتماعی جامعه دوره قاجار (با سرگذشت تاریخی خاص) دارای ضعف در حاکمیت و دارای ساختار قدرتی مستبدانه است، در این وضعیت ناهنجاری‌های عمده و یا ضدهنجاری خرد به تناسب بر نقش - رفتارها مستولی گشته و انواع دوسوگرایی جامعه‌شناختی بروز کرده است.

۶. در نهایت آنچه قابل اهمیت است، این است که اگر چه نتایج به‌دست آمده در این پژوهش اطلاعات زیادی را در خصوص عرصه‌های مختلف زندگی ایرانیان و به نوعی آسیب‌شناسی دوران قاجار را در اختیار خواننده می‌گذارد، اما آنچه اهمیت دارد این است که، همان‌طور که گذشت بیشتر مشاهدات دوسوگرایی در فضای فرهنگی ایلات بختیاری صورت گرفته، پس تعمیم نتایج به‌دست آمده به کل ایرانیان (که بعضاً در میان پایگاه ایرانیان به آن اشاره شده است) باید با احتیاط، مورد توجه قرار گیرد.

۷. از طرفی از آنجایی که زمینه بیشتر شدن ارتباط با دولت‌های خارجی در شرایط بسیار حساس و در اوج دخالت‌های بیگانگان در امور ایرانیان بوده است، نه تنها مسافران مرد، بلکه زنان مسافر که از کشورهای مختلف به ایران آمده‌اند علاوه بر مقاصدی که به‌صورت آشکار بیان می‌کنند، مقاصد پنهانی نیز داشته‌اند که همین امر در برخی مواقع نگاه آنها را به رفتارهای ایرانیان دارای سوءبرداشت‌هایی می‌کند. به همین دلیل است که نتایج برآمده از چنین پژوهش‌هایی باید با احتیاط مورد توجه قرار گرفته و سعی شود با استفاده از پژوهش‌های تکمیلی به واسطه خود ایرانیان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

۸. همان‌طور که عنوان کردیم، چشم‌انداز زنانه مکمل چشم‌انداز مردان است و به زعم زیمل، تفسیر حقیقی از یک واقعیت اجتماعی از تلفیق این تفاسیر متعدد ناشی می‌شود. به این ترتیب برای اینکه بتوانیم برداشت درستی از دوسوگرایی دوران قاجار داشته باشیم، نیازمند این هستیم که این امر از چشم‌انداز مردانه نیز مورد بررسی قرار گیرد.



منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۳). بحران مشروطیت در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ببی، ازل (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول و دوم). (مترجم: رضا فاضل). تهران: سمت.
- بل، گرتروود (۱۳۶۳). تصویرهایی از ایران. (مترجم: بزرگمهر ریاحی). تهران: خوارزمی.
- بورديو، پیر (۱۳۸۱). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. (مترجم: مرتضی مردیها). تهران: نقش و نگار.
- بیشاپ، ایزابلا (۱۳۷۵). از بیستون تا زردکوه بختیاری. (مترجم: مهرباب امیری)، تهران: آنگار.
- جمیلی کهنه شهری، فاطمه (۱۳۸۲). آمی و الانس جامعه‌شناختی، وابستگی مقابل فرد و گروه و... رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاشمی، و سیدضیاء (۱۳۸۴). تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوره‌های اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن. نامه علوم اجتماعی، ۲۶، ۱۷۳-۱۴۱.
- حکیمی، محمود (۱۳۸۶). تاریخ معاصر ایران (قاجاریه). تهران: نامک.
- دارندورف، رالف (۱۳۷۷). انسان اجتماعی: جستاری در باب تاریخچه، معنا و نقد مقوله نقش اجتماعی. (مترجم: غلامرضا خدیوی). تهران: آگاه.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ (جلد ۱). تهران: پازنگ.
- راورداد، اعظم (۱۳۸۳). مقایسه نقش شغلی زنان و مردان متخصص: فاصله نظر تا عمل. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۲ (۲)، ۳۸-۵.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳). سفرنامه کلارا کولیور رایس «زنان ایرانی و...». (مترجم: اسدالله آزاد)، تهران: کتابدار.
- ریثال، اتکینسون، ریچاردسی، اتکینسون و اسمیت، ادوارد (۱۳۸۸). زمینه‌ی روان‌شناسی هیلگارد. تهران: رشد.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۱). شرق‌شناسی. (مترجم: عبدالرحیم گواهی)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سیدان، فریبا (۱۳۸۳). چندگانگی پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان و بیماری‌های روانی. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۲ (۶)، ۶۰-۳۱.



شیل، لیدی (۱۳۶۲). *خاطرات همسر وزیر مختار انگلیس به دربار ایران*. (مترجم: حسین ابوترابیان)، تهران: نو.
فراستخواه، مقصود (۱۳۸۶). *سلسله مباحث مربوط به روحیات ایرانیان، جلسات ۱ تا ۲۲* تهران؛ بنیاد فرهنگی
بازرگان.

فقیه حقانی، موسی و نجفی، موسی (۱۳۸۷). *تاریخ تحولات سیاسی ایران*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ
معاصر ایران.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۸). *بابل واژگون*. مترجم، ۴۸، ۲۳-۱۸.

فوران، جان (۱۳۷۷). *مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹۹
شمسی تا انقلاب*. (مترجم: احمد تدین). تهران: رسا.

کدی، نیکی (۱۳۷۵). *ریشه‌های انقلاب ایران*. (مترجم: عبدالرحیم گواهی). تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
کریمی، کیومرث (۱۳۸۴). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت. روان‌شناسی و علوم تربیتی*.
۳۶ (۱-۲)، ۵۵-۳۷.

کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. (مترجم: محسن محلابی). تهران: علمی.

کوزر، لوئیس آلفرد و روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. (مترجم: فرهنگ ارشاد).
تهران: نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. (مترجم: ناصر موفقیان).
تهران: نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی آمریکایی*. (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نی.

لمبتون، کاترین سوین آن (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. (مترجم: منوچهر امیری). تهران: علمی فرهنگی.

لمبتون، کاترین سوین آن (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار*. (مترجم: سیمین فصیحی). تهران: جاودان خرد.

لمبتون، کاترین سوین آن (۱۳۷۹). *نظریه دولت در ایران*. (مترجم: چنگیز پهلوان). تهران: آزاد.

مارکس، کارل (۱۳۸۷). *دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴*. (مترجم: حسن مرتضوی). تهران: آگه.

مارکس، کارل (۱۳۸۸). *سرمایه: نقدی بر اقتصاد سیاسی*. (مترجم: حسن مرتضوی). تهران: آگه.

مارکس، کارل و انگلس (۱۳۸۸). *مانیفست حزب کمونیست*. (مترجم: مسعود صابری). تهران: طلایه پرستو.

محسنی تبریزی، علیرضا و سیدان، فریبا (۱۳۸۳). *منشأ اجتماعی بیماری افسردگی زنان. زن در توسعه و*

سیاست، ۲ (۲)، ۱۰۲-۸۹.





محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مکین روز، الیزابت (۱۳۷۳). با من به سرزمین بختیاری بیایید. (مترجم: مهراب امیری). تهران: آنزان.

منصور، محمود (۱۳۷۸). روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: سمت.

منصور، محمود و دادستان، پریرخ (۱۳۷۵). دیدگاه پیازه در گستره تحول روانی. تهران: بعثت.

نائیان، جلیل (۱۳۷۲). روابط ایران با دول خارجی در دوران قاجاریه. تهران: فردابه.

نراقی، حسن (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی خودمانی. تهران: اختران.

نقیسی، سعید (۱۳۶۴). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: بنیاد.

نیکلسون، هارولد (۱۳۸۰). آخرین روزهای زندگی سیاسی کرزن. (مترجم: اصغر قراگوزلو). تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پرستان و روح سرمایه‌داری. (مترجم: عبدالمعبود انصاری). تهران: سمت.

وبر، ماکس (۱۳۸۷). دین، قدرت و جامعه. (مترجم: احمد تدین). تهران: هرمس.

وین، آنتونی (۱۳۸۳). ایران در بازی بزرگ. (مترجم: عبدالرضا هوشنگ مهدوی). تهران: پیکان.

یزدخواستی، گیسو، قاسمی، وحید و فریدون، وحیدا (۱۳۹۰). رابطه تماس‌های بین فرهنگی و هوش فرهنگی: تحلیل نظری و تجربی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۴(۲)، ۱۶۲-۱۳۳.

Bauman, Z. (1991). *Modernity & ambivalence in prison*. UK: Polity Press.

Cockerham, W. C. (2001). *The blackwell companion to medical sociology*. UK: Blackwell publishers Ltd.

Connidis, I. A., & Mc Mullin, J. A. (2002). Sociological ambivalence & family ties: A critical perspective. *Journal of Marriage & family*, 64 (3), 558-567.

Coser, R. L. (1966). Role distance, sociological ambivalence and transitional status systems. *American Journal of Sociology*, 72 (2), 173-187.

Fingerman, K. L., Hay, E. L., & Birditt, K. S. (2004). The best of ties, the worst of ties: Close, problematic, and ambivalent social relationships. *Journal of Marriage and Family*, 66 (3), 792-808.

Hughes, E. Ch. (1945). Dilemmas & contradictions of status. *American Journal of Sociology*. 50 (5), 353-359.

McIntosh, I., & Erskine, A. (2000). Money for nothing?: Understanding giving to beggars. *Sociological Research Online*, 5 (1), 1-13.



- Merton, R. K. (1957). *Social theory & social structure*. New York: Columbia University, Free Press.
- Merton, R. K. (1959). Social conformity, deviation & opportunity structures: A comment on the contributions of Dubin and Cloward. *American Sociological Review*, 24 (2), 177-189.
- Merton, R. K. (1976). Sociological ambivalence & other essays. *American Journal of Sociology*. 83 (5), 1277-1280.
- Ory, M. G., & Cox, D. M. (1994). *Forging ahead: Linking health and behavior to improve quality of life in older people*. Social Indicators Academia publisher.
- Oxford English dictionary. 1989.
- Roginsky, D. (2006). Nationalism and ambivalence: Ethnicity, gender and folklore as categories of otherness. *Patterns of Prejudice*, 40 (3), 237 — 258
- Sharma, R. O. (1992). *Encyclopedic dictionary of sociology*. New Delh: Anmo publications.
- Smelser. N. (1998). The rational and ambivalence in the social science, *American sociological Review*. Centre for advanced study in the behavioral sciences, *American Sociological Review*, 63, 1-16.
- Weingardt, K. R. (2000). Viewing ambivalence from a sociological perspective: Implications for psychotherapist. *Psychotherapy*, 37(4), 298-306.
- Willson, A. E., Shuey, K. M., & Elder, G. H. (2003). Ambivalence in the relationship of adult children to aging parents and in-laws. *Journal of Marriage and Family*, 65, 1055-1072.

Sociological Duality in Era of Three Qajar Kings in Viewpoints of English Female Itinerary Writers

Received Date: August 16, 2014

Accepted Date: April 21, 2016

Fateme Jamili Kohneh Shahri¹
Zeinab Nadi²

Abstract

Interpretation of world and its phenomena from views of a specific group (such as men) cannot be a factual interpretation of world and its phenomena. Feminine viewpoint provides the possibility of watching and interpretation of new, different or ignored phenomena from men's viewpoint. In present study we selected a feminine viewpoint for discovering the origin of duality issue, as a main issue in different social, political, cultural, medical and even economical areas, and followed this specific view in the dimensions of history; the main question of this study is: What kinds of cultural and sociological duality are there among Iranians of era of three Qajar kings (Naseredin Shah, Mohammad Ali Shah, and Ahmad Shah) from viewpoints of English female itinerary writers?

This study has tried to answer the mentioned question using typology approach, theory of Morton about kinds of psychological and sociological duality, and techniques of historical investigation and content analysis. The result of this study shows 5 kinds of cultural and social duality among Iranians from viewpoint of English female travelers.

Keywords: Feminine Viewpoint, Sociological Duality, Typology of Morton, Qajar Era English Female Itinerary Writers.

1. Assistant Professor, Alzahra University, fjamily@alzahra.ac.ir
2. M.A. of Sociology, Alzahra University, (Corresponding Author),
nadi200980@yahoo.com



IJCR

31

Abstract



Bibliography

- Ābādiān, H. (1383 [2004 A.D]). *Bohrān-e mašrutiat dar Irān*. Tehrān: Mu'aseseh-ye Motāle'āt va Pažuheš hā-ye Siāsi.
- Atkinson, R. L., Atkinson, R. C., & Edward, S. (1388 [2009 A.D]). *Zamīneh-ye ravānšenāsi-e Hilgard* (Persian translation of Introduction to psychology). Tehrān: Rošd.
- Babbie, Earl. R. (1381 [2002 A.D]). *Raveš hā-ye tahqiq dar 'olum-e ejtemā'i*. (1st & 2nd vol.). (Persian translation of The practice of social research), translated by: Fāzel, R. Tehrān: Samt.
- Bauman, Z. (1991). *Modernity & ambivalence in prison*. UK: Polity Press.
- Bell, G. L. (1363 [1984 A.D]). *Tasvir hā-yi az Irān*. (Persian translation of Persian Pictures), translated by: Riāhi, B. Tehrān: Xārazmi.
- Bishop, I. L. B. (1375 [1996 A.D]). *Az Bisotun tā Zardkuh-e baxtiāri*. (Persian translation of Journeys in persia and Kurdistan), translated by: Amiri, M. Tehrān: Ānzān.
- Bourdieu, P. (1381 [2002 A.D]). *Nazariyeh-ye koneš: dalāyel-e 'amali va entexāb-e 'aqlāni* (Persian translation of Raisons pratiques: sur la theorie de l'action), translated by: Mardihā, M. Tehrān: Naqš va Negār.
- Cockerham, W. C. (2001). *The blackwell companion to medical sociology*. UK: Blackwell publishers Ltd.
- Connidis, I. A., & Mc Mullin, J. A. (2002). Sociological ambivalence & family ties: A critical perspective. *Journal of Marriage & family*, 64 (3), 558–567.
- Coser, L. A. (1377 [1998 A.D]). *Zendegi va andiše-ye bozorgān-e jāme'eh šenāsi*. (Persian translation of Masters of sociological thought; ideas in historical), translated by: Mahlāyi, M. Tehrān: Našr-e 'elmi
- Coser, L. A., & Rosenberg, B. (1378 [1999 A.D]). *Nazariyeh hā-ye bonyādi-e jāme'eh šenāxti* (Persian translation of Sociological theory: a book of reading), translated by: Eršād, F. Tehrān: Našr-e Ney.
- Coser, R. L. (1966). Role distance, sociological ambivalence and transitional status systems. *American Journal of Sociology*, 72 (2), 173-187.
- Dahrendorf, R. (1377 [1998 A.D]). *Ensān-e ejtemā'i: jostāri dar bāb-e tārixčeh, ma'nā va naqd-e maquleh-ye naqš-e ejtemā'i* (Persian translation of Homo sociologicus.), translated by: Gholāmrezā Xadivi. Tehrān: Našr-e Āgah .
- Edward W. S. (1371 [1992 A.D]). *Šarq šenāsi* (Persian translation of Orientalism), translated by: Gavāhi, 'A. Tehrān: Našr-e Farhang-e Eslāmi.
- Fakuhi, N. (1388 [2009 A.D]). *Bābol-e važ[e]gun*, *Motarjem*, 48, 18-23.
- Faqih Haqāni, M., & Najafi, M. (1387 [2008 A.D]). *Tārix-e tahavolāt-e siāsi-e Irān*. Tehrān: Mu'aseseh-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān.

- Farāsāt Khāh, M. (1386 [2007 A.D]). *Selseleh mabāhes-e marbut beh ruhiāt-e irāniān, jalasāt-e 1 tā 22. Tehrān*: Bonyād-e Farhangi-e Bāzargān.
- Fingerman, K. L., Hay, E. L., & Birditt, K. S. (2004). The best of ties, the worst of ties: Close, problematic, and ambivalent social relationships. *Journal of Marriage and Family*, 66 (3), 792–808.
- Foran, J. (1377 [1998 A.D]). *Moqāvemāt-e šekanandeh, tārix-e tahavolāt-e ejtemā'i-e Irān az sāl-e 1500 milādi (A.D) motābeq bā 879 Šamsi tā enqelāb* (Persian translation of Fragile resistance: Social transformation in Iran from 1500 to the revolution), translated by: Tadayon, A. Tehrān: Rasā.
- Giddens, A. (1374 [1995 A.D]). *Jāme'eh šenāsi* (Persian translation of Sociology), translated by: Saburi, M. Tehrān: Našr-e Ney.
- Giddens, A. (1382 [2003 A.D]). *Tajadod va tašaxos* (Persian translation of Modernity and self - Identity: Self and society in the late modern age), translated by: Mu'afaqiān, N. Tehrān: Našr-e Ney.
- Hakimi, M. (1386 [2007 A.D]). *Tārix-e mo'āser-e Irān (Qājārieh)*. Tehrān: Nārmak.
- Hughes, E. Ch. (1945). Dilemmas & contradictions of status. *American Journal of Sociology*. 50 (5), 353-359.
- Jamili Kohneh Šahri, F. (1382 [2003 A.D]). *Āmbi Vālāns-e jāme'eh šenāxti, vābāstegi-e moqābel-e fard va goruh va ...* . (Pāyān nāmeḥ-ye doktori). Tehrān: Dānešgāh-e 'Alāmeḥ Tabātabā'i, Dāneškadeh-ye 'Olum-e Ejtemā'i.
- Javādi Yegāneh, M. R. & Hāšemi, S. Z. (1384 [2005 A.D]). Ta'āroz-e naf-e fardi va naf-e jam'i (durāhi-e ejtemā'i) va 'avāmel-e mu'aser bar ān. *Nāmeḥ-ye 'olum-e ejtemā'i* (Dānešgāh-e Tehrān), 26, 173-141.
- Karimi, K. (1384 [2005 A.D]). Barresi-e rābeteh-ye sabk hā-ye delbastegi va ab'ād-e šaxsiat. *Ravānšēnāsi-e tarbiati*, 36 (1-2), 37-55.
- Keddie, N. R. (1375 [1996 A.D]). *Rišeḥ hā-ye enqelāb-e Irān* (Persian translation of Roots of Revolution: an interpretive history of modern Iran), translated by: Gavāhi, 'A. Tehrān: Našr-e Farhang-e Eslāmi.
- Lambton, A. K. S. (1362 [1983 A.D]). *Mālek va zāre' dar Irān*. (Persian translation of Owner and farmer in Iran), translated by: Amiri, M. Tehrān: Našr-e 'Elmi Farhangi.
- Lambton, A. K. S. (1375 [1996 A.D]). *Irān-e 'asr-e Qājār* (Persian translation of Qajar persia: Eleven studies), translated by: Fasihi, S. Tehrān: Jāvdān-e Xerad.
- Lambton, A. K. S. (1379 [2000 A.D]). *Nazārieh-ye dulat dar Irān* (Persian translation of Some reflection on the Persian theory of Government), translated by: Pahlevān, Č. Tehrān: Āzād.
- Macbean Ross, E. (1373 [1994 A.D]). *Bā man beh sarzamin-e baxtiāri biāyid*. (Persian translation of A Lady doctor in Bakhtiari land), translated by: Amiri, M. Tehrān: Ānzān.





- Mansur, M. (1378 [1999 A.D]). *Ravānšenāsi-e ženetik: tahavol-e ravāni az tavalod tā piri*. Tehrān: Samt.
- Mansur, M., & Dādsetān, P. (1375 [1996 A.D]). *Didgāh-e Piāžeh (Piaget) dar gostareh-ye tahavol-e ravāni*. Tehrān: Be'sat.
- Marx, K. (1387 [2008 A.D]). *Dast nevešteh hā-ye eqtesādi va falsafi 1844* (Persian translation of Economic and philosophic manuscripts of 1844), translated by: Mortazavi, H. Tehrān: Āgah.
- Marx, K. (1388 [2009 A.D]). *Sarmāyeh, naqdi bar eqtesād-e siāsi*. (Persian translation of Capital, a critique of political economy), translated by: Mortazavi, H. Tehrān: Āgah.
- Marx, K., & Engels, F. (1388 [2009 A.D]). *Mānifest-e hezb-e komonist* (Persian translation of Manifest der kommunistischen partei = manifesto del partito comunista), translated by: Sāberi, M. Tehrān: Talāyeh-ye Parastu.
- McIntosh, I., & Erskine, A. (2000). Money for nothing?: Understanding giving to beggars. *Sociological Research Online*, 5 (1), 1-13.
- Merton, R. K. (1957). *Social theory & social structure*. New York: Columbia University, Free Press.
- Merton, R. K. (1959). Social conformity, deviation & opportunity structures: A comment on the contributions of Dubin and Cloward. *American Sociological Review*, 24 (2), 177-189.
- Merton, R. K. (1976). Sociological ambivalence & other essays. *American Journal of Sociology*. 83 (5), 1277-1280.
- Mohseni Tabrizi, A., & Seyedān, F. (1383 [2004 A.D]). Manša'-e ejtemā'i-e bimāri hā-ye afsordegi-e zanān. *Zan dar tuse'eh va siāsat*, 2(2), 89-102.
- Mohseni, M. (1382 [2003 A.D]). *Barresi-e āgāhi, negareš hā va raftār hā-ye ejtemā'i-farhangi dar Irān*. Tehrān: Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi.
- Nā'ebiān, J. (1372 [1993 A.D]). *Ravābet-e Irān bā dual-e xāreji dar durān-e Qājārieh*. Tehrān: Fardābeh.
- Nafisi, S. (1364 [1985 A.D]). *Tārix-e ejtemā'i va siāsi-e Irān dar dureh-ye mo'āser*. Tehrān: Bonyād.
- Narāqi, H. (1383 [2004 A.D]). *Jāme'eh šenāsi-e xudemāni*. Tehrān: Axtarān.
- Nicolson, H. G. (1380 [2001 A.D]). *Āxarin ruz hā-ye zendegi-e siāsi-e Kerzen (Curzon)* (Persian translation of Curzon: the last phase, 1919 -1925: a study in post-war diplomacy), translated by: Qarāguzlu, A. Tehrān: Mu'aseseh-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān.
- Ory, M. G., & Cox, D. M. (1994). *Forging ahead: Linking health and behavior to improve quality of life in older people*. Social Indicators Academia publisher.
- Oxford English dictionary. 1989.

- Rāvād Rād, A. (1383 [2004 A.D]). Moqāyeseh- ye naqš-e šoghli-e zanān va mardān-e motexases. *Motāle'āt-e Ejtemā'i – Ravanshenāxti-e Zanān (Motāle'āt-e Zanān)*, 2(2), 5-38.
- Rice, C. C. (1383 [2004 A.D]). *Safarnāmeḥ-ye Clara Colliver Rice “zanān-e irāni va rāh va rasm-e zendegi-e ānān”* (Persian translation of Persian women), translated by: Āzād, A. Tehrān: Ketābdar.
- Roginsky, D. (2006). Nationalism and ambivalence: Ethnicity, gender and folklore as categories of otherness. *Patterns of Prejudice*, 40 (3), 237 — 258
- Seyedān, F. (1383 [2004 A.D]). Čandgānegi-e pāygāh-e ejtemā'i- eqtesādi-e zanān va bimāri hā-ye ravāni. *Motāle'āt-e Ejtemā'i – Ravanshenāxti-e Zanān (Motāle'āt-e Zanān)*, 2 (6): 31-60.
- Sharma, R. O. (1992). *Encyclopedic dictionary of sociology*. New Delh: Anmo publications.
- Sheil, M. L. W. (1362 [1983 A.D]). *Xāterāt-e hamsar-e vazir moxtār-e Engelis beh darbār-e Irān*. (Persian translation of Climpes of life and manners in Persia), translated by: Abutorābiān, H. Tehrān: Našr-e Nu.
- Smelser. N. (1998). The rational and ambivalence in the social science, American sociological Review. Centre for advanced study in the behavioral sciences, *American Sociological Review*, 63, 1-16.
- Weber, M. (1371 [1992 A.D]). *Axlāq-e porotestāni va ruh-e sarmāyeh dāri*. (Persian translation of The protestant ethic and the spirit of capitalism), translated by: Ansāri, 'A. Tehrān: Samt.
- Weber, M. (1387 [2008 A.D]). *Din, Qodrat va jāme'eh*. (Persian translation of Selected works = From Max Weber: essays in sociology), translated by: Tadayon, A. Tehrān: Hermes.
- Weingardt, K. R. (2000). Viewing ambivalence from a sociological perspective: Implications for psychotherapist. *Psychotherapy*, 37(4), 298-306.
- Willson, A. E., Shuey, K. M., & Elder, G. H. (2003). Ambivalence in the relationship of adult children to aging parents and in-laws. *Journal of Marriage and Family*, 65, 1055–1072.
- Wynn, A. (1383 [2004 A.D]). *Irān dar bāzi-e bozorg* (Persian translation of Persia in the great game), translated by: Hušang Mahdavi, 'A. Tehrān: Peykān.
- Yazdx[v]āsti, G., Qāsemi, V., & Fereydun, V. (1390 [2011 A.D]). Rābeteh-ye tamās hā-ye beyn-e fārhangī va huš-e fārhangī: tahlili-e nazari va tajrobi. *Tahqiqāt-e fārhangī-e Irān*, 4(2), 133-162.
- Zuqi, I. (1368 [1989 A.D]). *Tārix-e ravābet-e siāsi-e Irān va qodrat hā-ye bozorg*. (1st vol.). Tehrān: Pājang.

